

قستی از رساله معماری ارزیابی مدل‌های تبیین گر طراحی معماری به منظور ارتقاء جایگاه محتوا در آنها در ۹۳ صفحه در قالب ورد.

۳- تربیت مکمل تعلیم:

برای ورود به رشته معماری و کار در ساختمان باید چهار خصلت را در خود نیکو گردانی

۱ - تواضع که مقدمه‌ی شجاعت است . و شجاعت یعنی نفس را مغلوب عقل گردانی و این خصلت تمام نشود الا به

قلت اعتنا به نفس . [فتوت نامه معماران]

تا نفس مغلوب عقل نشود تمام موجودی هنرمند به نمایش در نمی آید و خانه‌ای زیبا شکل نمی گیرد چرا که هنرمند گرفتار هوس به یک معنی هنرمند نیست .

(مولای عربی در یکی از رسائل خود آورده است که چگونه شیخ (استاد خویش علی جمال ادریسی) او را که طلبه‌ای جوان از تباری شریف بود محض آزمایش مجبور به حمل میوه در شهر کرد: «اولین استفاده‌ای که از استادم بردم این بود که فرمان داد دو سبد پر از میوه را در شهر حمل کنم. آنها را به دست گرفتم و نمی خواستم مانند دیگران آنها را بر شانه‌های خود بگذارم، چرا که بر من گران می آمد و نفسم را می آزد؛ برآشفته و ترسیده بودم و سخت اندوهگین شدم و چیزی نمانده بود که اشکم سرازیر شود. به خدا قسم که به خاطر شرمساری و تحقیر و تمسخری که در نتیجه این وضع مجبور به تحمل آن بودم گریه ام گرفت. هیچ گاه در گذشته نفسم چنین چیزی را تحمل نکرده و بدان سر فرو نیاورده بود و من از کبر و زعونت و پلیدی و سرکشی آن غافل بودم. هیچ گاه نمی دانستم که نفسم متکبر است یا خیر؟ زیرا هیچ یک از فقهای که در محضرشان درس گرفته بودم چیزی درباره نفس من نگفته بودند. در این حالت شیخ، که کبر و حیرت و محنت مرا دیده بود، نزدیک شد و دو سبد را از دستام گرفت و روی دوشم گذارد و گفت: «این کار را به صلاح تو می کنم تا اندکی از کبر دوری گزینی.» بدین روش در را به رویم گشود و به راه راست هدایت کرد و اهل کبر را از اهل تواضع و اهل جدّ را از اهل هزل و اهل علم را از اهل جهل و اهل سنت را از اهل بدعت و اهل علم را و عمل را از اهل علم بدون عمل باز شناختم. از آن لحظه به بعد هیچ اهل سنتی با سنت خود و هیچ بدعت گذاری با بدعت خود و هیچ عالمی با علم خود و هیچ عابدی با عبادت خود و هیچ زاهدی با زهد خود بر من مسلط نشد و من را به سُخره نگرفت، زیرا شیخ رضی الله عنه، به من آموخت که چگونه حق را از باطل و جدّ را از هزل تشخیص

مستوحش و ترسان و بد دل و پریشان باشد . ترس از خواص تاریکی و تیرگی است و امن از خواص روشنی . [فتوت نامه معماران]

از شک و جهل بعنوان ظلمت یاد شده است نتیجه اینکه معمار باید با اراده و محکم باشد و بسیار بداند که همه ی این را در یک کلمه خلاصه می کنند « امن » کسی که دلش به نور حق منور است و اکنون آماده است تا از نورانیت حق که در دل اوست اثری خلق کند که تحسین آیندگان را برانگیزد و به حق نیز چنین است .

۳ - صدق : صفتی است در نیت استقامت قصد در توجه به جناب او تعالی . و هر چه کند مخلصاً خدای را کند بدون ریا . [فتوت نامه معماران]

۴ - وفا : اشرف این طایفه است ؛ صدق عهد و وعده و انبیاء را بخاطر وفای به عهد ستوده اند « من المؤمنین رجالاً صدقوا ما عاهدوا الله علیه . » [فتوت نامه معماران]

شکل ۴



است، این واقعیت در پرتو این پیوند، مترادف بروز تغییری در معنویت اسلامی نیست، بلکه از تداوم کاربرد اصول سنتی زنده و پویا در موقعیت ها و شرایط متفاوت حکایت می کند.

ارتباط معنویت اسلامی با هنر اسلامی را هم چون باید در نحوه شکل گیری ذهن و روح مسلمانان از جمله هنرمندان یا صنعت گران با مناسک و شعائر مذهبی اسلام پیدا کرد. نماز که اوقات روز و شب را تقسیم می کند و به طور منظم مانع از سلطه خفقان آور خیال پروری بر روح می شود، قرابت با طبیعت بکر که نمونه ازلی آن مسجد است و مساجد موجود در شهرهای کوچک و بزرگ صرفاً از آن تقلید می کنند، ارجاع مکرر قرآن به حقایق مربوط به آخرت و معاد و ناپایداری جهان، تکرار مستمر آیات قرآنی که روح مسلمانان را در قالب مجموعه ای منظم از دیدگاههای روحانی دوباره شکل می دهد تأکید بر جلال و عظمت پروردگار که مانع از آن می شود تا هر نوع اومانیسم پرومته وار در آن مجال بروز بیابد و عوامل متعدد دیگری که با نبوغ خاص اسلام مرتبط می شوند و ذهن و روح مسلمانان را شکل داده و می دهند، از آن جمله اند. معنویت اسلامی با تعلیم و تربیت انسان در قالب "انسان مسلمان" که در آن واحد بنده خدا و جانشین اوست ("عبدالله" و "خلفه الله" به تعبیر قرآن) از طریق تلفیق برخی دیدگاهها و حذف برخی دیگر در ذهن و روح مردان و زنان مسلمانی که این هنرها را آفریده اند، به طور مستقیم بر هنر اسلامی اثر نهاده است. اگر مسلمان سنتی مجسمه های غول پیکر میکلا آنژ را خرد کننده و کلیساهای به سبک روکوکو را خفقان آور می یابد، به واسطه همین تسلیم در برابر پروردگار و ترس از تعظیم نفس در مقابل حضور الهی که معنویت اسلامی در روح و ذهن او بر انگیزته است. مسأله این نیست که هنرمندان مسلمان نمی توانند آثار هنری عظیم یا پرومته وار خلق کنند، چنان که در سالهای اخیر چنین کرده اند و توانایی خود را به خوبی به نمایش گذاشته اند؛ بلکه این است که هیچ مسلمانی مادام که نقش و اثر معنویت بر روح او قوی باشد، دست به چنین کاری نمی زند. [سید حسین نصر، ارتباط هنر و معنویت، هنر و معماری مساجد ۱۳۸۳ جلد ۲ ص ۱۲۴۵-۱۲۴۷]

(در هر گام که کار [معماری مانند ایجاد] مسجد را پیش می برد، خود نیز به انسان کامل گامی نزدیک تر می شود. پس وقتی که بنای مسجد فراغت یافت، در واقع مسجد است که او را گامها پیش برده و به مراتب بالا رسانده و بیش از آن که او مسجد را بسازد، مسجد او را ساخته است. مسجدی که با خلوص دل ساخته شود در روز موعود معمار خود را شفاعت خواهد کرد و دست او را خواهد گرفت. اما این شفاعت تنها از کسانی پذیرفته می شود که مرضی خداوند باشند و آنان که به این عمل اجازه یافته اند.) [بید هندی و دیگران؛ هنر و معماری مساجد، ۱۳۸۳ جلد ۲، ص ۱۳۴۵]

در فتوت نامه سوال و جوابی مطرح شده است که در آن بر تربیت و تهذیب در کنار عمل تأکید دارد:

وقتی کلام خدا با کار آمیخته شود آن حالت و صفت امن که قبلاً در موردش صحبت شد حاصل می شود و کاری است که برای خداست و طبق گفته خدا، نهایت سعی در انجام کار مسئولیت انسان است.

۲ - چون تیشه به دست گیری بگو (یوم یفرء من اخیه و اله و ابنه و صاحبته و بنیه) "عبس ۳۴-۳۶"

همچنان که برای ساخت بهتر لازم است زمین یا ساختمان قبلی تخریب شود، قیامت هم نوعی ساخت و ساز است که در ابتدا با تخریبی بزرگ همراه است. و اینچنین در هنگام کار اصل پنجم دین را مرور می کنیم.

۳ - چون ماله بدست گیری : یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحاً "تحریم، ۸"

توبه همانند ماله پستی و بلندی وجود را به صافی و یک رنگی تبدیل می کند .

۴ - چون قالب به دست گیری : لا یصلیها الما الاشقی الذی کذب و تولى ، ان جاء المأوی (۱۵ و ۱۶ لیل)

"هیچکس در آن آتش در نیفتد مگر شقی ترین خلق . همان کسانی که آیات خدا را تکذیب کردند و روی از آن گردانیدند."

قالب برای همسان کردن گل روی کار است تا از جوانب آویخته نشوند . شاید همین تذکرها و یاد آوریها به نحوی تمثیل قالب باشد جهت عدم فخر فروشی و جدا شدن انسانها از هم.

۵ - چون ناوه به دست گیری : و فاما من ثقلت موازینه* فهو فی عیشه راضیه (قارعه ۶ و ۷) "پس آنروز عمل هر کس را در میزان حق وزنی باشد* در جهت به آسایش و زندگانی خودش خواهد بود."

ناوه جهت آوردن گل در پای کار . همچنانکه مقدمات ساخت و ساز از گل نپخته شروع می شود. اگر گل خوب ساخته شود ، ساختمان خوب از کار در می آید. پس هر گونه کم کاری در انتها مشخص خواهد شد.

۶ - چون ریسمان به دست گیری : افلا یعلم اذا بعثر ما فی القبور* و حصل ما فی الصدور (۹ و ۱۰ عادیات)

نمی دانید روزی که از قبرها بر انگیزته شوید و آنچه در دلها پنهان است همه را پدیدار می سازد .

تجسم افق و مرگ و پایان راه، و برخواستنی نیکو.

هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده آنرا خواهید دید و هر کس به قدر ذره ای که کار زشتی مرتکب شده آنهم به کیفرش خواهد رسید .

نهایت سخت گیری در برخاستن کامل به گونه ای که اگر تناسبات رعایت نشود و شاغول نباشد کل دیوار کج خواهد شد و برای خروج از رکود و جمودافقی گرای می بایست برخاست. همچنان که دیوار عمودی چیده می شود، انسانیت انسان نیز برپا می شود.

۸ - چون چوب زاویه به دست گیری : یقولون ربنا ارحمنا و اغفرلنا انک علی کل شیء قدير. "تحریم، ۸"

و هنگامیکه طرح گنبد اندازی و طاقها را راست کنی:

با پایان یافتن کار گنبد که مثالی از آسمان است از خداوند می خواهیم نورش را بر ما کامل کند.

۹ - چون زاویه ها در بندی : الم یعلم بان الله یری "علق ۱۴"

خدا بر تمام پیچیدگیها و زوایای پنهان و آشکار انسان آگاه است . پس دل را برای او صاف دار، همچنانکه زاویه ها صاف می کنی.

۱۰ - چون بر بالای کار روی و بر ارتفاع بایستی: عسی ربکم ان یغفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتی الانهار.

وقتی کار به کمال نسبی رسید، انسان نیز به کمال نزدیک می شود و اکنون در نهایت راه در مصاحبت با خدا می دانی که بدیها را می بخشد و بهترینها را در ازای کار نیکو پرداخت می کند.

۱۱ - چون پایین آیی و بر زمین قرار گیری : و برزت الحجیم لمن یری فاما من طغی و اثر الحیوة الدنیا فان الحجیم حی الماوی .

و دوزخ برای بینندگان آشکار شود پس هر کس از حکم خدا سرکش و طاعی شد و زندگی دنیا را برگزید دوزخ جایگاه اوست . (۳۶ تا ۳۹ نازعات)

برای باقی ماندن در اوج کمال، سعی و تلاش زیادی نیاز است و اکنون باید ترسید که مبدا همچنان که از کار پایین آمدی از خود و کمال خود نیز پایین آیی و تذکر می دهد که: اینها رفتنی است مبدا که مغرور ، طاعی و سرکش شوی و فکر کنی کاری کرده ای.

انسان که در اول خلقت گل بود، همیشه در خسران است. مگر ایمان و اعتقاد پیدا کند. ودل و زبانش گویای حق باشد. و از سرعت روز افزون زندگی جدا شود.

کار را با ایمان همان صفت امن ادامه می دهد و در تمام کار به حق و صبر توصیه می کند و کار را صبورانه و با درستی به پایان می رساند .

۱۳ - چون خشت بر یکدیگر نهی : اذا زلزلت الارض زلزالها "عبس" ۳۴"

نهایت محکم ساختن کار در کنار یاد ناپایداری نهایی.

۱۴ - چون گل بر قالب نهی : یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا

روزی که از کالبدم برخیزم همچنانکه این گل در حال شکل گیری است، نتیجه و انتهای کار را نیز ببینیم.

همانطور که دیده شد به زیبایی هر چه تمام تر تمام حرکات و افعال بنا و معمار با یاد خدا و سخنان قرآن آمیخته شده است . که در تمام لحظه ها کار خالص و به دور از ریا انجام می شود.

شاید یکی از علت های شکوه و عظمت معماری گذشته ما که بر حال و آینده اثر گذار است، این باشد که تک تک حرکات و مراحل ساخت و ساز با یاد خدا انجام گرفته است و ما امروز نه تنها گذشته بلکه خود را نیز فراموش کرده ایم و حتی کپی کننده ی خوبی هم از معماران غربی نیستیم . معماران گذشته خود پر از تناسبات زیباییها و هارمونی بوده اند که توانسته اند اینگونه بنا کنند. و استحکام و زیبایی را به نهایت رسانده اند بازگشت به سنت و گذشته به این معنی نیست که ساختمان آجری یا خشتی بسازیم با پیشرفت تکنولوژی نه تنها زمان گل و خشت بلکه زمان بتن نیز در حال گذشتن و پایان است. حال سؤال اینجاست که چگونه عظمت معماری گذشته خود را با مصالح و به شکلی امروزی احیاء کنیم. آیا می شود به سنت اخلاقی گذشته بازگشت و از تکنولوژی و علم روز استفاده کرد و در آخر فضایی با روح معنوی ساخت که انسان را کامل تر کند؟

و شاید یکی از علل شکوفایی معماری گذشته ما نه در جنس و مواد خام و علم معماری (هر چند اینها هم مقدمه اند) بلکه در این بوده که ما نخست انسان شده ایم و سپس معمار و ساختمان ساز درست بر خلاف امروز ، که بی هویت و سرگشته و جدا از اصل در گوشه ای افتاده ایم.

نویسد: «اگر شما در طریق نابی که استاد ما، رضی الله عنه، بر آن بود به حال خود واگذارند به جانب دیگر خواهید رفت و راه خطا خواهید پیمود و اگر چنین نکنند، به خدا سوگند، آنچه بر آن خواهید بود غیر از آن است که شما ببینید. اگر بپرسید که از چه چنین می گویی؟ خواهیم گفت که طریقت وی فرود آمدن بود نه فراز رفتن؛ در حالیکه شما بر طریق فراز رفتن هستید نه فرود آمدن. طریقت وی تنزل ظاهر و تعالی باطن بود حال آنکه شما بر طریق تعالی ظاهر و تنزل باطن هستید. می توان گفت که طریقت وی ظاهر جلالی و باطن جمالی داشت، حال آنکه طریق شما مثل طریق اکثر مردم، ظاهر جمالی و باطن بندگی دارد. و خدا نیاورد روزی را که طریق خواص همچون طریق عوام باشد. همچنین روا نباشد که اهل ذوق به خواندن ادعیه کفایت کنند و دست به کاری نبرند. افزون بر این، هر کس باید یک شیخ داشته باشد نه چون شما که شیوخ عدیده دارید. این است آنچه از وضع شما دستگیرم شده است و گمان می برم که باد در بادبانهای زورق خود ندارید.» [رسائل]] [تیتوس بورکهارت، فاس شهر اسلام، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱]

(هنرمند سنتی پس از مراسمی مقدماتی که ماهیتی باطنی دارد شروع به آموختن روش و همینطور روح هنر می کند که هر دو مبنایی کیمیایی دارند. نمادهای باطن گرایی به گونه ای به هنرها و صنایع جوش خورده اند که هنرمند و صنعتگر میتواند با هم به پیوند دادن جنبه های درونی و بیرونی وجود خود به وسیله اثرش به «کمال روحانی» دست پیدا کند. او در فرایند خلاقه طبیعت، «طبیعت در حال فعالیت» شرکت می کند و با این کار در هنر الهی شریک می شود. هنرمند برای انجام هنرش لزوماً نیازی به آگاهی تمام و کمال از علم متافیزیک سنت ندارد. سنت الگوها و قواعد کاری را منتقل میکند و به این صورت اعتبار روحانی فرمها را برای هنرمند تضمین می کند. سنت به وسیله فرمهای ناشی از مشیت الهی و روح بعد باطنی زنده می ماند، و به واسطه فیض الهی انسان قادر است بخشی از سنت باشد و هنر خود را انجام دهد. مطابق با اصول روحانی تمام انواع هنر سنتی اهمیتی اساسی دارد و مبنای اصالت چنان هنری را تشکیل می دهد. «اصالت» در این جا به معنای کامل کلمه به کار می رود: تحقق مفهومی اصیل، نه اصالت گذرای خود بینی فردی یک انسان. توانایی هنرمند در «دیدن» در شناخت هدف عمده، اراده و شوق او در پی روی از قوانین سنت و اجتناب از هر چیز زائد و غیر کاربردی، پیش فرضهای اصالت هستند. دستیابی به عمیق مواد، فنون و محاسبات کمی در چنان هنری اصالت را به وجود می آورد. بنابراین از دید سنتی اصالت جنبه های حقیقی جاودان بودن و همین طور تغییر را در خود دارد. جاودان بودن به وسیله ارتباط با هدف عمده از طریق دنیای الگوهای ازلی، و پیروی از قوانین انواع هنرهای سنتی به دست می آید.) [نادر اردلان، لاله بختیار، پیشین، ص ۴۰]

شده به پختگی بیشتری می‌رسید. در سنت کار به معنای واقعی عبادت است و مهمتر از آن است که وارد حیطه سوداگری و سود و زیان شود. و کیفیت کار هیچوقت فدای کمیت، سرعت و بهای مادی نمی‌شود. همه اینها نتیجه تربیتی است که شاگرد در کنار آموزش در طول کار حرفه‌ای خود داشته است. کار هنرمند سنتی کاری اصیل است.

جهت مشاهده رساله‌های بیشتر [اینجا](#) کلیک کنید

جهت مشاهده نقشه‌های معماری [اینجا](#) کلیک کنید

جهت مشاهده پاورپوینت معماری [اینجا](#) کلیک کنید

جهت مشاهده آموزش نرم افزارهای معماری [اینجا](#) کلیک کنید

جهت دانلود کتاب معماری [اینجا](#) کلیک کنید

جهت انجام پروژه‌های معماری با ما تماس بگیرید.